

استقبال مدیران ریسک از پدیده تغییر

با توجه به اینکه مسئله تغییر سازمانی در اولویت دستور کار شرکت های بزرگ و کوچک قرار گرفته است، مدل سازی ریسک روشی است که روز به روز در حال گسترش و متداول تر شدن است. براساس گزارش مؤسسه مشاوره ای واتسون ویات (Watson Wyatt) و AIRMIC شناخت و کاربرد تکنیک های فرموله بندی ریسک از سوی مدیران در حال گسترش است.

نتیجه حاصله از یک بررسی در زمینه نگهداری بهینه ریسک نشان داده است که درصد زیادی از شرکت های مورد بررسی اخیراً تغییرات سازمانی عمده ای را انجام داده اند.

در چنین شرایطی، براساس یافته های این بررسی، مدیران ریسک و مدیران ارشد شرکت ها در مقایسه با گذشته تمایل بیشتری به پذیرش تکنیک های رایج و همچنین تکنیک های جدید مدیریت ریسک دارند. مدیران ریسک از تحول محیط عملیاتی نرمال خود استقبال می کنند. براساس یافته های تحقیق مذکور عامل تغییر، منابع ریسک های جدید وسیعی را ایجاد می کند و انتظار می رود که اهمیت شناسایی، ارزیابی و مدیریت فوق فعال (Pro - Active) در آینده افزایش یابد.

این مطالعه در میان اعضا AIRMIC انجام شده و نتیجه بدست آمده حاکی از این مطلب است که اعضا AIRMIC علاقه زیادی به موضوع نگهداری ریسک دارند. پاسخ دهندگان (شرکت های مورد بررسی) طیف وسیعی از شرکت ها هستند که ۷۰ درصد از آن ها در سطح بین المللی فعالیت می کنند و ۴۹ درصد از آن ها دارای بیش از ۱۰/۰۰۰ نفر پرسنل هستند. درصد بالایی از این سازمان ها در حال تغییر در سطوح سازمانی هستند و ۸۷ درصد از آن ها در مرحله بلوغ و ثبات هستند و یا اینکه انتظار می رود تغییر یابند.

در این تحقیق سعی بر این بوده است که مشخص شود شرکت های عضو AIRMIC چه مقدار ریسک را براساس خسارت و یا در کل به بیمه گران (خارج از شرکت) واگذار می کنند و چه مقدار ریسک را برای صندوق بیمه داخلی Captive نگه می دارند.

نتیجه حاصل از تحقیق این بوده است که در حدود ۲۶ درصد از شرکت هایی که دارای صندوق بیمه داخلی (کپتیو) هستند، وجوه سهامداران آن (کپتیو) بیش از ۱۰ میلیون پوند است. در حدود ۱۲ درصد از سازمان ها که سرمایه در گردش آن ها کمتر از ۲۵۰ میلیون پوند است و همچنین ۸۳ درصد از سازمان هایی که سرمایه در گردش آن ها بیش از ۵۰۰۰ میلیون پوند است دارای صندوق بیمه داخلی

هستند. نتیجه دیگری که از این نظرخواهی بدست آمده این بوده است که مدیران ریسک و مدیران مالی سازمان ها تصمیم گیرندگان کلیدی در مورد حفظ و نگهداری ریسک هستند.

در پرسشنامه این نظرخواهی دو مجموعه سوال مطرح شده است - سوالاتی که جواب خاص می طلبند و جهت دار هستند و سوالاتی که این چنین نیستند - سوالاتی که جواب خاص می طلبند نسبت به سوالات دیگر این تصویر را ایجاد می کنند که مدیران ارشد و کارگزاران در زمینه سطح نگهداری ریسک مهم ترند.

کاملاً واضح است که مدیران ریسک و مدیران مالی شرکت ها اغلب بطور مشترک نقش های کلیدی در زمینه نگهداری ریسک را ایفا می کنند. شاید تعجب آور باشد که درگیری و مشارکت هیئت مدیره در این زمینه در حد بسیار کمی است. براساس گزارش حاصل از تحقیق مذکور این نتایج بیانگر لزوم بهبود و توسعه مداوم نقش و اعتماد به مدیران ریسک می باشد.

نگهداری ریسک

در زمینه اهمیت عوامل مختلف مؤثر در تصمیمات نگهداری ریسک به همه پاسخ دهندگان صرفنظر از تعداد عواملی که رتبه بندی کرده اند، وزن یکسانی داده شده است. عوامل مختلفی که

در این زمینه در پرسشنامه ها مورد توجه و سوال قرار گرفته عبارتند از:

— تجربیات گذشته در مورد ادعاهای خسارت

— دیدگاه مدیران ارشد

— تمرکز ریسک یا تنوع آن

— برنامه های بازرگانی گروه شرکت ها

— دسترسی به اطلاعات راجع به خسارات

— دیدگاه کارگزاران

— دوره بیمه

— هزینه اداره ادعاهای خسارت

— ثبات در سوددهی

— خط مشی های گذشته

— مهارت های داخلی در ادعاهای خسارت

— دسترسی به محصول

— سرمایه شرکت

— ظرفیت بازار

— سیاست شرکت در اوراق خزانه

— بازده سرمایه گذاری

— مالیات بر حق بیمه

— دیدگاه مشاوران

— سرمایه تخصیص داده شده به ریسک

— نوسان بازار سرمایه

— مالیات بر درآمد شرکت ها

— موارد دیگر و

— پاداش های نقدی فردی

ما با تجزیه و تحلیل نتایج دریافتیم که ادعاهایی که در گذشته در مورد خسارت وجود داشته، مهم ترین عامل بوده و بطور غیرقابل باوری پاداش های نقدی اعطاء شده به افراد، کم اهمیت ترین عامل بوده است.

براساس گزارش تحقیق، این نتیجه بیانگر این مطلب نیز هست که مدیران ریسک در زمره درستکارترین گروه کارکنان هستند و یا اینکه پاداش های نقدی آن ها ارزش زحمت و دردسر متحمله را ندارد.

شاید تعجب آور نباشد که مواردی نظیر مبادله ریسک و پاداش (Risk / Reward Trade off) ، هزینه بیمه و قابلیت تخفیف گرفتن، عواملی کلیدی در تصمیم گیری راجع به سطح نگهداری ریسک در میان پاسخ های با جهت گیری از پیش تعیین شده بوده اند.

پنج عامل مهم به ترتیب اهمیت و تأثیر در نگهداری ریسک عبارتند از: مبادله ریسک و پاداش، تجربیات گذشته در زمینه ادعاهای خسارت، قیمت و صرفه جویی در هزینه، تخفیف در حق بیمه، در دسترس بودن محصول. پاسخ های بدون جهت گیری قبلی بیشتر بر مشوق های مالی تمرکز دارند.

کارگزاران دوست دارند بعنوان مشاورانی شناخته شوند که در بیشتر موارد گردش سرمایه شرکت و در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت

(پیدایش، تکامل و رشد، بلوغ و ثبات، افول و تجدید حیات سازمانی) جهت مشاوره به آن ها مراجعه شود.

همچنین از مشاوران مدیریت ریسک و حسابداران نیز استفاده زیادی در این خصوص بعمل آمد. در حدود ۳۷ درصد از شرکت های مورد بررسی مقداری از سرمایه شان را به نگهداری ریسک اختصاص داده اند. شرکت های بزرگ تر وجوه بیشتری را برای نگهداری ریسک تخصیص می دهند. بعضی از شرکت هایی که دارای سرمایه در گردش بیش از ۵۰۰۰ میلیون پوند هستند تا سطح ۴۵ درصد از ریسک را نگهداری می کنند.

شاید جای تعجب نباشد که بسیاری از شرکت هایی که صندوق بیمه داخلی (کپتیو) دارند نیز درصد بالایی از سرمایه را به نگهداری ریسک اختصاص می دهند.

تخصیص سرمایه به ریسک

جالب توجه است که در حدود ۴۷ درصد از شرکت های مورد بررسی که دارای کپتیو (صندوق بیمه داخلی) هستند سرمایه کپتیو را به عنوان سرمایه ای که به ریسک اختصاص یافته در نظر نمی گیرند و ۱۹ درصد از شرکت هایی که مقداری از سرمایه را به ریسک تخصیص می دهند دارای کپتیو نیستند.

تجارت پر مخاطره

ریسک در واقع کالای در جریان ساخت (Stock in Trade) صنعت بیمه به شمار می آید، ولی بیمه گرها عادت کرده اند که آن را بعنوان خسارت محسوس به شمار آورند. ولی چگونه امکان دارد ما بتوانیم از بین رفتن شهرت یا حقوق مالکیت معنوی را ارزش گذاری نمائیم؟ این معمایی است که بیمه گران مجبور خواهند بود آن را در سایه یک بررسی و نظر خواهی که توسط لویدز و انجمن بیمه و مدیران ریسک (Association of Insurance and Risk Managers, AIRMIC) هدایت و تدوین شده، حل کنند.

بررسی و نظر خواهی که در میان مدیران ریسک شرکت های عضو AIRMIC انجام گرفته است نشان داده که پاسخ دهندگان در مورد عدم پوشش بیمه ای ریسک از دست رفتن شهرت بسیار نگران بوده اند.

ماکس تیلور رئیس لویدز در ارائه و جمع بندی نتایج کنفرانس اخیر AIRMIC که در ناتینگهام برگزار شد، گفت: بیمه گران برای پاسخگویی به این تحولات گسترده در نگرش هایی که شرکت ها را در تعیین ارزش مربوط به دارایی های نامرئی نگران می سازد، تاکنون بسیار کند بوده اند.

تکنیک های شبیه سازی یا مدل سازی ریسک نزد مدیران ریسک شرکت های دارای کپتو بسیار متداول تر است تا شرکت هایی که فاقد کپتو هستند. بررسی انجام شده نشان داده است که ۴۳ درصد از شرکت های دارای کپتو تکنیک های شبیه سازی را بکار برده اند در حالی که فقط ۱۱ درصد از شرکت هایی که فاقد کپتو هستند از این تکنیک ها استفاده کرده اند.

کاربرد تکنیک های شبیه سازی با اندازه شرکت ها نیز مرتبط است. تنها ۲۰ درصد از شرکت هایی که سرمایه در گردش آن ها کمتر از ۲۵۰ میلیون پوند است چنین تکنیک هایی را بکار برده اند در حالی که در حدود ۴۴ درصد از شرکت هایی که دارای سرمایه در گردش بیش از ۵۰۰۰ میلیون پوند هستند از این تکنیک ها استفاده می کنند.

براساس یافته های تحقیق، ۴۶ درصد از شرکت های مورد بررسی ابراز داشته اند که انتظار می رود که تا دو سال دیگر، تکنیک های مدل سازی را بکار گیرند. همچنین انتظار می رود که تکنیک های مدل سازی در مدیریت ریسک گسترش یابند و در حوزه های دیگر امور مالی نیز بکار گرفته شوند.

مترجم: مهدی نعیمی نظام آباد

Business Risk, Sept. 98, pp. 34- 35.

منبع: